



نمونه سوالات تالیفی ونهایی درس یازدهم

فلسفه یازدهم انسانی

(انسان، موجود اخلاق گرا)

تهیه و تنظیم

سید احمد صمدانی

۱- انسان با مفهوم .....آشناست و می تواند خوب و بد.....را درک کند.

۲- مسئله اخلاق را می توان یکی از وجوه.....انسان از سایر موجودات دانست.

۳- کار های انسان را به طور کلی می توان به دو دسته.....و..... تقسیم کرد.

۴- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با .....و..... آدمی رابطه دارد.

۵- افلاطون معتقد است که در وجود انسان سه قوه اصلی به نام های قوه ی.....و.....و..... فعال هستند.

۶-به نظر افلاطون نتیجه حاکمیت عقل بر قوه شهوت.....و بر قوه غضب.....و برای خود عقل..... خواهد بود.

۷- نتیجه سامان دهی عقل برقراری.....میان قوا و سراسر شخصیت انسان است.

۸- ارسطو کتابی تحت عنوان.....دارد که شاید بتوان گفت اولین کتاب مستقل در اخلاق است.

۹- ارسطو شاگرد..... درباره ی معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد.

۱۰- به نظر ارسطو اگر..... بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد.

۱۱- به نظر ارسطو اعتدال در قوا عامل.....و..... است.

۱۲- به نظر ارسطو خود عقل نیاز به رشد و رسیدن به درجات مناسبی از معرفت دارد تا دچار.....و..... نشود.

۱۳- افلاطون و ارسطو هر دو بر لازمه ..... بر قوا تاکید دارند و آن را برای رسیدن اعتدال در قوا لازم می دانند.

۱۴- کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در ..... جستجو کرد.

۱۵- کانت معتقد است که هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از.....انجام دهد، خیر اخلاقی شمرده می شود.

۱۶- کانت می گوید: بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده ی مزبور قانون.....و..... شود.

۱۷- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان ..... انسان جستجو می کنند.

۱۸- توماس هابز می گوید: هر گاه انسانی بخواهد در برابر دیگران ..... زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق دهد که در برابر او به همان میزان..... باشند.

۱۹- فیلسوفان مسلمان در ذیل مبحث ..... برخی مسائل مربوط به فلسفه اخلاق راطرح و آرای خود را درباره آن تبیین کرده اند.

۲۰- فلاسفه مسلمان عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد، ..... می نامند.

۲۱- از دیدگاه فلاسفه مسلمان فضائل کمالاتی هستند که باعث رشد و کمال ..... می شوند.

۲۲- انسانی موجودی است اخلاقی که ..... و ..... را درک م یکنند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.

۲۳- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر درجهت سعادت حقیقی باشد، ..... محسوب می گردد و اگر برخلاف

سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، ..... و ..... شمرده می شود.

۲۴- کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام ..... دارد که او را به سوی عمل ..... اخلاقی دعوت می کند.

۲۵- به عقیده کانت، اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه

فقط بدان جهت که ..... بدان دعوت می کند، انجام دهد، شمرده می شود.

@ پاسخنامه ۱- اخلاق - ۲- تمایز ۳- فعل طبیعی - فعل اخلاقی ۴- سعادت - نیک بختی حقیقی ۵- شهوت - غضب -

عقل ۶- خویشنداری - شجاعت - عدالت ۷- عدالت ۸- اخلاق نیکو ماخوس ۹- افلاطون ۱۰- عقل ۱۱- سعادت - نیک

بختی ۱۲- افراط - تفریط ۱۳- حاکمیت عقل ۱۴- وجدان اخلاقی ۱۵- وجدان خود ۱۶- کلی و عمومی ۱۷- رفتار طبیعی ۱۸-

آزادی - آزاد ۱۹- عقل عملی ۲۰- عقل عملی ۲۱- روح ۲۲- حُسن / قبح ۲۳- فضیلت / رذیلت / بدی ۲۴- وجدان اخلاقی / خیر ۲۵-

وجدان / فضیلت

\* تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است:.

۲۶- انسان با مفهوم « اخلاق آشناست » اما نمی تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند .

۲۷- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست.

۲۸- به نظر افلاطون قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و به گونه ای که عقل آنها را راهنمایی می کند عمل می کنند.

۲۹- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب گاه در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود.

۳۰- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط عقلانیت باشد، انسان به سعادت می رسد.

۳۱- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند.

۳۲- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.

۳۳- ابن سینا و دیگر فلاسفهٔ مسلمان، دیدگاهی نزدیک به سقراط و افلاطون دارند.

۳۴- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند اینکه انسان میتواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، به تنهایی می تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد.

۳۵- بنابردیدگاه طبیعت گرایان، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است.

۳۶- از نظر افلاطون معیار فضیلت میان همهٔ انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر می کند.

۳۷- از نظر کانت نیز معیار فضیلت، مشترک میان همهٔ انسان هاست و عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند.

۳۸- از نظر ارسطو، حالت افراط، تفریط و اعتدال عقل به ترتیب جُرْبُزَه، سفاهت و حکمت است.

۳۹- از نظر ارسطو، حالت افراط، تفریط و حدوسط قوهٔ غضب، به ترتیب ترس، تهوُّرو شجاعت است.

۴۰- از نظر ارسطو، حالت افراط، تفریط و حدوسط قوهٔ شهوت، به ترتیب خمودی، شَرَه و خویشتن داری است.

۴۱- طبق نظریه فیلسوفان ماتریالیست، از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند.

۴۲- از نظر کانت، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده است.

۴۳- از نظر فیلسوفان مسلمان، هر انسانی به دنبال کسب فضائل است و با کسب فضائل احساس نشاط می کند و به

رضایت درونی می رسد.

۴۴- طبق نظر فلاسفهٔ مسلمان اگرچه بشر به فضیلت هافطرتاً علاقه مند است اما انتخاب این فضائل و عمل به سهل آسان است.

※ جواب ها: ۲۶- غ ۲۷- ص ۲۸- ص ۲۹- غ ۳۰- غ ۳۱- ص ۳۲- ص ۳۳- غ ۳۴- غ ۳۵- ص ۳۶- غ ۳۷- غ ۳۸- ص ۳۹- غ ۴۰- غ

۴۱- ص ۴۲- غ ۴۳- ص ۴۴- غ

۴۵- هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ منا سبت دارد، آنها را در کنار هم بنویسید؟ (یک

مورد درست چپ اضافی است)

۱- فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می شود الف- کانت

۲- اعتدال در قوا عامل سعادت و نیک بختی انسان است ب- ارسطو

۳- معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی جستجو کرد

ج- فلاسفه مسلمان

۴- ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جستجو کرد

د- افلاطون

۵- پشتوانه انسان در ترجیح فضائل بر تمایلات شخصی «خداست»

و- توماس هابز

ی- فیلسوفان طبیعت گرا

@جواب: ۱/د ۲/ب ۳/الف ۴/ی ۵/ج

@ گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۴۶- کدام تعریف افلاطون از فضیلت دقیق تر است؟

۱) اگر فعل اخلاقی در ردیف شقاوت ابدی باشد. ۲) اگر فعل اخلاقی در جهت وجدان بیدار باشد.

۳) هرگاه فرد دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. ۴) اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد.

۴۷- باتوجه به دیدگاه ارسطو قوه غضبیه در سه حالت (اعتدال - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

۱) شجاعت - ترس - تهوّر ۲) تهوّر - شجاعت - ترس ۳) شجاعت - تهوّر - ترس ۴) ترس - تهوّر - شجاعت

۴۸- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه شهویّه در سه حالت (حد وسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

۱) شهّ - خویشتن داری - خمودی ۲) خویشتن داری - خمودی - شهّ ۳) شهّ - خمودی - خویشتن داری ۴) خویشتن داری - شهّ - خمودی

۴۹- باتوجه به دیدگاه ارسطو قوه عقل در سه حالت (اعتدال - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

۱) حکمت - جُربزه - سفاهت ۲) جُربزه - سفاهت - حکمت ۳) سفاهت - حکمت - جُربزه ۴) حکمت - سفاهت - جُربزه

۵۰- کدام عبارت با نظریه فیلسوفان طبیعت گرا سازگاری ندارد؟

۱- از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد.

۲- ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند.

۳- بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خودمابه هر کارمیدهم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.

۴- معیار فعل اخلاقی باید وجدان باشد زیرا در غیر این صورت منفع انسان نادیده گرفته می شود.

@جواب سوالات تستی: ۴۶- (گزینه ۴) ۴۷- (گزینه ۳) ۴۸- (گزینه ۴) ۴۹- (گزینه ۱) ۵۰- (گزینه ۴)

@سوالات پاسخ کوتاه

۵۱- تعریف برخی متفکران از انسان بر اساس ویژگی اخلاق چیست؟

انسان موجودی است اخلاقی که حُسن و قُبْح را درک می کند و کارها یی بر اساس این درک انجام می دهد.

۵۲- جمله مشهور کانت در رابطه با اهمیت وجدان فردی چیست؟

« دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سرماست، دیگری وجدانی که در درون ماست »

۵۳- اولین قانون اخلاقی از نظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، چیست؟

این است آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که میتوانی بادیگران زیست کنی.

۵۴- علت نامگذاری عقل عملی به این نام چیست؟

این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد "عقل عملی" می نامند.

**@ پاسخ کامل دهید:**

۵۵- از نظر افلاطون معیار فعل اخلاقی چیست؟

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیکبختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.

۵۶- به نظر افلاطون معیار نیک بختی انسان چیست؟ و آیا این معیار از دیدگاه او مطلق است یا نسبی و محدود به زمان و مکان؟

انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتر داری»، «شجاعت» و «عدالت» است نیک بخت است؛ این معیار میان همه ی انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

۵۷- نظر افلاطون درباره قوای اصلی وجود انسان و وظایف آن ها چیست؟

اومی گوید: در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: «قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرامی خواند؛ «قوه غضب» که انسان را در برابر خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند؛ و «قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.

۵۸- افلاطون در پاسخ به این سوال که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است؟» چه پاسخی می دهد؟

افلاطون: عمل انسان در صورتی در جهت سعادت خواهد بود که بنابه فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد، یعنی قوه غضب و قوه شهوت تحت کنترل و حکومت عقل باشند و به گونه ای که عقل آنها را راهنمایی می کند عمل کنند.

۵۹- به نظر افلاطون اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود چه نتایج اخلاقی حاصل می شود؟

وی می گوید: اگر عقل حاکم باشد، قوه شهوت پا از گلیم خود دراز تر نمی کند و «خویشتر داری» پیش می گیرد؛ قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود و عقل نیز به «حکمت» می رسد. بر ایند و نتیجه چنین سامانی برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.

۶۰- جدولی رسم کرده و در آن حالت افراط، تفریط و حد وسط و اعتدال قوای عقل، غضب و شهوت را تبیین کنید.

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرُزه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تهوّر	ترس	شجاعت
قوه شهوت	شَرَه	خمودی	خویشتن داری

۶۱- مقصود کانت از این جمله او چیست؟

«برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود»

مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

۶۲- به نظر افلاطون نقش عقل در رابطه با سایر قوا چیست و این ارتباط چه نتیجه و برابندی را به دنبال خواهد داشت؟

وی می گوید: اگر عقل حاکم باشد، قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتنداری» پیش می گیرد؛ قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود و عقل نیز به «حکمت» می رسد. برآیند و نتیجه ی چنین سامانی برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و درسراسر شخصیت انسان است.

۶۳- به عقیده فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب واز رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، آیا میل به فضائل در انسان تقویت می شود؟ چرا؟

خیر، در چنین شرایطی نیز حتی عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.

۶۴- نظر ارسطو درباره ی معیار فعل اخلاقی چیست؟

ارسطو شاگرد افلاطون درباره ی معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد؛ او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال عامل سعادت و نیک بختی انسان است.

۶۵- نظراسطو درباره فعالیت دو قوه شهوت و غضب چیست و نقش عقل و لازمه آن درارتباط با این قوا کدام است؟

به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. بنابراین اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می رسد. ارسطو نیز معتقد است عقل هرانسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.

۶۶- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در چه عاملی جستجو می کنند؟ توضیح دهید.

در رفتار طبیعی انسان جستجو می کنند. از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هرکاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هرکاری می دهیم بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضرمان.

۶۷- به عقیده کانت معیار فعل اخلاقی را باید در کجا جستجو کرد؟ توضیح دهید.

کانت عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جستجو کرد. کانت می گوید هر انسانی در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هرکاری که انسان آنرا صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل رانه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود.

۶۸- آیا طبق دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا، در نظر گرفتن منافع دیگران تأثیری در رسیدن هر فرد به منافع طبیعی خود خواهد داشت؟ و آیا این دو در تضاد با یکدیگر نخواهند بود؟

از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا در غیر این صورت منفعت خودش نیز حفظ نمی شود. بنابر این اولین قانون اخلاقی این است که: «آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی».

۶۹- دیدگاه طبیعت گرایان در رابطه با شکل گیری امور اخلاقی و منشأ آن امور را مثال توضیح دهید.

بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته است نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت خیانت نورزید؛ باید با دیگران به عدل رفتار نمود و امثال اینها. بر این اساس اموری مانند صداقت عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آن هاست، باید آن ها را مراعات کرد.



۷۰- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند که شناخت فضایل و رذائل و علاقه ورزی انسان به آنها، به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟

زیرا به نظر ایشان علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست. اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب کند و از رذائل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۷۱- دیدگاه ابن سینا و دیگر فیلسوفان مسلمان در رابطه با معیار فعل اخلاقی و فضیلت چیست؟ و به دیدگاه کدام فلاسفه نزدیک است؟

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت هایمانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد، «عقل عملی» می نامند. عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری، و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط می کند و به رضایت درونی می رسد.

۷۲- مهمترین عامل در حرکت به سوی فضائل و ترک رذائل کدام است؟ و آیا ارتباطی با سرپیچی انسان از فرمان خدا دارد؟ چرا؟

در چنین شرایطی نیز حتی عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند. اختیار انسان . بلکه زیرا انسان در هر صورت موجودی مختار با تمایلات قوی و شدید (شخصی) است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات از فرمان خدا هم سر پیچی کند.

۷۳- به عقیده هابز چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت، امانت داری، ارزش حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمرده می شوند؟

بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، باید با دیگران به عدل رفتار نمود و امثال اینها. بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

## تمرینات و فعالیت های درس یازدهم انسان موجودی اخلاق گرا

تفکر ص ۸۴\*

۱- ممکن است دلیل سرزنش داود این باشد که دزدی نزد هر کسی بد است و وجدان هر کسی چنین کاری را نمی پسندد.

۲- از برخی جواب های او پیداست که وی وجدانا که این کار بد می داند. مانند اینکه «همه چیز در این فروشگاه گران است» «دزدیدن جرئت می خواهد» و «خیلی ها این کار را می کنند»

۳- درباره وجود قواعد اخلاقی نادرست در میان کلمات داود و سامان است. در جملات داود قواعد اخلاقی نادرست نیست. اما در جملات سامان، جملاتی مانند «خیلی ها این کار را می کنند»، «ممکن است این کار برای تو غلط باشد، اما برای من، نه»، «چنین هدیه ای حقم است»، «توهم به دنبال سود خودت هستی»، «من دوست ندارم مثل بقیه باشم» و «این کار از پشت خنجر زدن است»، جملاتی هستند که بر مبنای بسیاری از متفکرین و فیلسوفان نادرست است.

۴- سؤال چهارم، سؤال درباره پایبندی داود به قواعد اخلاقی است. پاسخ این سؤال می تواند متنوع باشد. شاید داود احساس مثبتی از رعایت قواعد اخلاقی دارد، شاید هم این را نوعی نوع دوستی بداند، شاید هم این کار را یک فضیلت بداند که انسان به آن گرایش فطری و درونی دارد. شاید هم از این جهت باشد که خداوند از انسان خواسته که قواعد اخلاقی را رعایت کند و شاید هم تعدادی از این عوامل دخالت داشته باشند.

۵- سؤال پنجم، یک سؤال واگراست که دیدگاه های دانش آموزان را به چالش می کشد. انتقاد آخر سامان از داود این است که اطلاع دادن به صاحبان فروشگاه از پشت خنجر زدن است. ممکن است دانش آموزی بگوید چون فروشگاه گران فروشی کرده، حق سامان بود که تالیفی کند و لذا کار داود غلط است.

ممکن است دانش آموزی بگوید بدی را نمی توان با بدی پاسخ داد. لذا انتقاد سامان غلط است.

ممکن است دانش آموزی بگوید دوستی واقعی این نیست که انسان از کارهای غلط دوست خود چشم پوشی کند.

بررسی \* ص ۸۶

### از نحوه سخنان داود این نتایج بدست می آید:

- ۱- انسان فعل اخلاقی دارد و از این جهت با حیوان متفاوت است.
- ۲- فعل اخلاقی معیاری دارد که وابسته به عقل و وجدان ماست.
- ۳- به همین جهت عموم مردم اموری مانند عدل را خوب و اموری مانند ظلم را بد می شمرند.
- ۴- سلیقه در فعل اخلاقی کمتر دخالت دارد و نمی توان بر اساس سلیقه امور اخلاقی را تنظیم کرد.
- ۵- بسیاری از اصول اخلاقی مشترک میان فرهنگ هاست و در فرهنگ های مختلف یکسان است.

### از نحوه سخنان سامان این نتایج بدست می آید:

- ۱- او هم معتقد است انسان فعل اخلاقی دارد و با حیوان متفاوت است.
- ۲- از نظر او سلیقه نقش مهمی در اخلاق دارد.

۳- بنابراین برخی امور، ممکن است نزدیک فرد فضیلت اخلاقی و نزد فرد دیگری رذیلت اخلاقی محسوب شود.

۴- البته سامان دچار یک تناقض هم هست؛ او انتظار دارد که داود معیار او را در اخلاق بپذیرد و رعایت کند.

#### تطبیق ص ۸۸

افلاطون و ارسطو معتقدند انسان تنها موجودی که به خاص دارای عقل و خرد است. اگر انسان بتواند قوای غضبیه و شهویه را به فرمان عقل در بیاورد قطعاً سعادت مند می شود.

#### تطبیق ص ۸۹

سازگاری، کانت انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی می داند و معتقد است که انسان یک موجود مختار و برخوردار از وجدان اخلاقی است. این اختیار هم ویژگی نفس است.

#### تطبیق ص ۸۹

طبیعت گرا هر ایشه های فعل اخلاقی را در رفتار طبیعی انسان جست و جومی کنند. این دیدگاه با دیدگاه ماتریالیست ها و داروینستها سازگاری دارد این دیدگاه با دیدگاه دکارت که انسان را دارای دو بعد جسمانی و معنوی می دانست سازگاری ندارد.

#### طرح مسئله\* ص ۹۰

سؤالی که در اینجا مطرح شده، مربوط به دیدگاه فیلسوفان مسلمان است که معتقدند فضیلت های اخلاقی از سنخ کمال هستند و روح انسان با آراسته شدن به آن فضیلت ها کمال پیدا می کند.

باتوجه به این دیدگاه این سؤال مطرح شده که اگر فضائل اخلاقی از جنس کمال هستند و هر انسانی هم کمالات را دوست دارد، پس چرا همه انسان ها این فضائل را در وجود خود تحقق نمی دهند؟

پاسخ دانش آموزان ممکن است مختلف و متنوع باشد. پاسخ به این پرسش در زیر همین فعالیت آمده و توضیح داده شده که تمایلات و غرایز طبیعی و حیوانی در انسان وجود دارد و سبب تحریک انسان می شود. لذا در بسیاری از موارد، با اینکه انسان مثلاً عدل و راستگویی را دوست دارد ولی برای رسیدن به آن تمایلات، عدل یا راستگویی را زیر پا می گذارد و به سوی ظلم یا دروغ پیش می رود.

#### یافتن مصداق ها\* ص ۹۱

۱- برخی از افراد که به خواب و استراحت علاقه افراطی دارند، از کسب علم باز می مانند.

۲- برخی افراد برای اینکه زود به ثروت زیاد برسند، اصول اخلاقی را در معاملات خود رعایت نمی کنند.

۳- برخی افراد برای اینکه به سرعت ریاست اداره خود را به دست بگیرند، علیه اطرافیان و همکاران شایعات نادرست را ترویج می دهند.

سازگاری دارد. از نظر ابن سینا و فلاسفه مسلمان؛ انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد و می تواند با اختیار خود این استعداد را به فعلیت برساند. و مسیر تکاملی به سوی خداوند را انتخاب کند. البته انسان اختیار دارد مسیری غیر از تکامل به سوی خداوند را انتخاب کند. بنابراین نظریاتشان در حوزه اخلاق با انسان شناسی منطبق است.

در صحنه اول، وقتی علی حادثه زمین خوردن مادر بزرگ احمد را مشاهده می کند، اما رسیدن به مسابقه را بر کمک به مادر بزرگ احمد ترجیح می دهد. عمل علی در ابتدا از دیدگاه فلاسفه مسلمان نشان دهنده ترجیح یک تمایل معمولی و مادی بر یک تمایل متعالی و برتر، یعنی کمک به دیگران است. لذا ترک صحنه توسط علی یک عمل ناپسند تلقی می شود. اما رفتار و عمل وی بعد از اندکی تأمل، مطابق با کمال معنوی و تمایل برتر و متعالی اوست.

در صحنه دوم، ابتدا رحمان به مادر بزرگ احمد کمک نمی کند، بدان جهت که فرصت زیادی برای مسابقه ندارد؛ یعنی مسابقه را که هدفی کوچک تراست بر کمک به مادر بزرگ احمد ترجیح داد. همچنین او به اختلافش با احمد توجه کرد و آن را در این تصمیم گیری دخالت داد و در نتیجه از تکامل روحی و معنوی خود غافل شد.

در مرحله بعد هم که رحمان به مادر بزرگ کمک کرد، باز هم یک هدف مقدس را دنبال نمی کرد. او وقتی عمومی خود را مشاهده کرد و احتمال داد که نظاره گر اوست، آن کار خیر را انجام داد.

### ۱- به ترتیب گزاره ها

معیار فعل اخلاقی، جستجوی سعادت و نیک بختی انسان است. افلاطون

معیار فعل اخلاقی، در رعایت حد اعتدال است. ارسطو

معیار فعل اخلاقی، در اطاعت از وجدان است. کانت

معیار فعل اخلاقی، برای حفظ مصالح و منافع افراد در جامعه است. ابن سینا و فلاسفه مسلمان

۲- سوال شخصی است و به عهده خود دانش آموز است.

۳- به عهده خود دانش آموز است. از نظر افلاطون و ارسطو و عموم فلاسفه مسلمان، آنگاه انسان ها به سوی فضائل اخلاقی حرکت خواهند کرد که عقل خود را حاکم بر شهوت و غضب قرار دهند و آنها را تابع عقل کنند.

**موفق و سربلند باشید**

**سید احمد صمدانی استان اذربایجان شرقی**